

قطعه‌نامه در مورد جنبش کارگری

- طبقه سرمایه‌دار و رژیم سیاسی پاسدار این طبقه، تعرض علیه کارگران و جنبش طبقه کارگر را گسترش داده و تشدید نموده است. دور جدید اختناق و سرکوبی که با روی کار آمدن کابینه نظامی-امنیتی احمدی‌نژاد، آغاز شد، با شدت و حدت تمام ادامه یافته است.

- با افزایش روزافزون و افسارگسیخته‌ی قیمت‌ها و تعیین دستمزدهایی که حتی به نصف خط فقر نمی‌رسند، قدرت خرید و سطح معیشت کارگری، بیش از پیش کاهش یافته است. زنان کارگر به شدت استثمار می‌شوند و به آنان دستمزدهای نازل‌تری پرداخت می‌شود. فقر و تنگدستی در میان کارگران گسترش یافته و فشارهای متعدد اقتصادی و اجتماعی بر دوش میلیون‌ها کارگر شاغل و اعضای خانواده آن‌ها و بر کل طبقه کارگر افزوده شده است.

- دستمزدهای ناچیز کارگری نیز به موقع پرداخت نمی‌شوند. عدم پرداخت به موقع دستمزدها، یک سیاست ضد کارگری است که آگاهانه و برای پایین نگاه داشتن سطح مطالبات کارگری، ممانعت از طرح خواست‌های جدید توسط کارگران و برای جلوگیری از ارتقای خواست‌های کارگری، از سوی طبقه سرمایه‌دار و دولت، به اجرا گذاشته شده و به سیاست عمومی رژیم در اغلب بخش‌های کارگری تبدیل شده است.

- تداوم و تشدید روند خصوصی‌سازی، بیکارسازی وسیع کارگران را در پی داشته است. در اثر اجرای این سیاست، انبوه عظیمی از کارگران به خیابان پرتاب شده و بر صف میلیون‌ها کارگر بیکار که هیچ‌گونه ممر درآمدی ندارند، افزوده شده است.

- انعقاد قراردادهای موقت، همه‌گیر و به شیوه رایج و قاعده عمومی تبدیل گشته و استخدام رسمی و دایمی حکم استثنا را به خود گرفته است. کارفرمایان و سرمایه‌داران از همه سو کارگران را تحت فشار گذاشته‌اند و بر شدت کار و استثمار افزوده‌اند.

- این تعرضات فزاینده به سطح معیشت کارگری و علیه طبقه کارگر، با تعرضات وحشیانه دیگری در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز همراه بوده است. جمهوری اسلامی در طی دو سال گذشته، اختناق و سرکوب را به طور فزاینده‌ای تشدید نموده و آشکارا بر اقدامات سرکوبگرانه علیه جنبش کارگری افزوده است. اخراج و حذف کارگران آگاه از مراکز کارگری، بازداشت، احضارهای مکرر، تهدید و ضرب و شتم، پی‌گرد و زندان و شلاق، و اعمال یک رشته فشارهای ممتد روحی و روانی علیه فعالان کارگری و کارگران پیشرو، یورش وحشیانه به تشکل‌های کارگری و سندیکای شرکت واحد، شمه‌ای از تعرضات پیوسته و سازمان یافته طبقه سرمایه‌دار علیه طبقه کارگر را نشان می‌دهد.

- این تعرضات و تشدید بلاوقه آن که برخاسته از ماهیت فوق ارتجاعی دیکتاتوری رژیم حاکم است، در عین حال بازتاب‌دهنده نگرانی شدید سرمایه‌داران و دولت آن‌ها از آگاهی و تشکل کارگران، هراس آن‌ها از اعتلای جنبش کارگری و پیشرفت‌هایی است که این جنبش در دو سه سال اخیر به آن دست یافته است.

- علی‌رغم این تعرضات گسترده و پی در پی و علی‌رغم تشدید خفقان و سرکوب و ارباب کارگران، مبارزه طبقه کارگر ادامه داشته است. کارگران، در اعتصابات متعدد و سایر اشکال اعتراضی خود، نه فقط خواهان پرداخت به موقع دستمزدها، توقف اخراج‌ها و بیکارسازی‌ها و الگوی قراردادهای موقت شده‌اند، بلکه همچنین خواستار بهبود شرایط کار و افزایش دستمزدهای خود شده‌اند. اعتصابات متعدد کارگری از جمله اعتصاب هزاران کارگر پتروشیمی کرمانشاه، کاغذسازی پارس، پلی‌اتیلن هرسین، نساجی طبرستان، شرکت قوه پارس، مجتمع صنعتی سماء، اعتصاب کارگران آزمایش مرودشت و ده‌ها اعتصاب دیگر نیز این موضوع را ثابت می‌کند.

- کارگران ایران که از حق ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری محروم‌اند، به ضرورت، اهمیت و نقش تشکیلات و مبارزه متشکل برای دستیابی به مطالبات خویش و برای پیشبرد مبارزه طبقاتی و قوف یافته‌اند. از این رو به رغم تمامی فشارها و تشدید اختناق و سرکوب، از تلاش در این زمینه باز نایستاده‌اند. تجمعات اعتراضی پی در پی و اعتصاب شکوهمند هزاران کارگر شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در مهر ماه سال جاری و خواست سندیکای مستقل کارگری، نمونه بارزی از این تلاش‌ها می‌باشد.

- تلاش بی‌وقفه‌ی کارگران آگاه و فعالان کارگری برای متشکل شدن کارگران و برای ایجاد و تکثیر تشکل‌های کارگری ادامه داشته است. کارگران پیشرو و فعالان کارگری به تلاش‌های آگاهانه و خستگی‌ناپذیر خود جهت غلبه بر پراکندگی در صفوف مبارزاتی کارگران، برای سازماندهی مبارزاتی هماهنگ‌تر و متشکل‌تر و برای سازماندهی مقاومت متشکل در برابر تعرضات طبقه سرمایه‌دار، ادامه داده‌اند.

- طبقه سرمایه‌دار و رژیم سیاسی پاسدار منافع این طبقه که شاهد اقدامات متشکل‌تر و سازمان‌یافته‌تر کارگران پیشرو و فعالان کارگری و شاهد پیشرفت و اعتلای جنبش طبقاتی کارگران بوده است، با یورش وحشیانه به این جنبش و تحمیل خسارات و تلفات بر آن، کوشیده است جنبش طبقاتی کارگران را از نفس بیاندازد و به سال‌های رکود و خاموشی بازگرداند.

- رویدادهای دو سال گذشته، بار دیگر بر این واقعیت صحنه می‌گذارد که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که ذاتاً مخالف آزادی‌های سیاسی است، آزادی تشکل، به ویژه تشکل‌های مستقل کارگری را که جزیی از آزادی‌های سیاسی است، نمی‌پذیرد.

این رژیم که ضدیت با تشکل و آگاهی طبقه کارگر از خصلت‌های اصلی آن است، هیچ‌گونه تشکل علنی کارگری را که به ابتکار و نیروی خود کارگران ایجاد شده و مستقل از نهادهای حکومتی باشد، صرف‌نظر از آن که تشکلی صنفی باشد یا سیاسی، بر نمی‌تابد و به آن اجازه فعالیت و ادامه کار نمی‌دهد. چنین تشکل‌هایی تنها از طریق استمرار و گسترش مبارزه برای تحقق مطالبات توده کارگران و از طریق بسیج و سازماندهی این نیرو، در یک رویارویی دایمی با سرمایه‌داران و دولت آن‌ها است که می‌توانند موجودیت خود را بر رژیم تحمیل کنند و راه را برای فعالیت و ادامه‌کاری خود بگشایند.

- شرایط مشخص حاکم بر جامعه ایران و تشدید بیش از پیش فشار و اختناق و سرکوب، قبل از هر چیز عدم کفایت و حتا زیان‌بار بودن فعالیت صرف علنی و قانونی را، هر روز و در هر گام مبارزه به اثبات می‌رساند. در شرایط سلطه اختناق سیاسی که رژیم هیچ‌گونه تشکل علنی کارگری را تحمل نمی‌کند، تلفیق مناسبی از اشکال مبارزه و فعالیت علنی و قانونی، با مبارزه و فعالیت مخفی و زیرزمینی حائز اهمیت جدی و ضرورتی انکارناپذیر است و تنها، تشکل‌هایی می‌توانند بقای فعال و ادامه‌کاری داشته باشند که بنای آن‌ها بر پایه‌ی این اصل مهم استوار شده باشد.

- با توجه به شرایط سرکوب و خفقان کنونی، کمیته‌ی مخفی کارخانه مناسب‌ترین تشکل غیر حزبی کارگری است که همیشه در دسترس کارگران است. کمیته‌های کارخانه که دربرگیرنده پیش‌روترین و آگاه‌ترین کارگران کارخانه‌اند، نه تنها قادرند در شرایط کنونی مبارزات روزمره کارگران را سازماندهی و رهبری کنند، بلکه به دلیل قابلیت انعطاف و خصلت رادیکال خود، در شرایط اعتلای بیش‌تر جنبش نیز به سرعت می‌توانند به کمیته‌های اعتصاب و شوراهای کارگری تبدیل شوند. مخفی بودن این کمیته‌ها به معنای دور شدن از مبارزات علنی کارگران نیست. این کمیته‌ها علاوه بر سازماندهی و رهبری مبارزات کارگری، در مبارزات و تشکل‌های علنی کارگران نیز حضور فعال دارند، این مبارزات را ارتقا می‌دهند و از بنده‌ی خود جدا نمی‌شوند.

تأکید بر کمیته‌های مخفی کارخانه البته به معنای نفی سایر اشکال تشکلیابی کارگران نمی‌باشد. از هر تشکلی که به نیروی خود کارگران و مستقل از دولت و نهادهای وابسته به آن ایجاد می‌شود، باید به حمایت برخاست و برای رادیکال شدن آن تلاش ورزید.

- طی دو سال گذشته، پیوسته بر اقدامات سرکوب‌گرانه علیه کارگران آگاه و پیشرو و علیه فعالان و تشکل‌های کارگری افزوده شده است. کارگران پیشرو و آگاهی که به جرم ایجاد تشکل، به جرم دفاع از حقوق کارگران و به جرم متشکل ساختن کارگران و مبارزات کارگری، به زندان افتاده‌اند و یا اخراج شده‌اند، بدون هیچ‌گونه قید و شرطی باید آزاد شوند و به سر کارهای خود بازگردند. پی‌گرد و آزار کارگران، به ویژه کارگران پیشرو و فعالان کارگری باید متوقف شود.

- شرایط حاکم بر جامعه و توازن قوای موجود، به جنبش کارگری و همه کارگران پیشرو و فعالان کارگری حکم می‌کند که هوشیاری خود را دوچندان سازند و با اتخاذ به موقع روش‌ها و تاکتیک‌های مناسب اثرات سوء تعرضات و اقدامات سرکوب‌گرانه را تا حد ممکن خنثا سازند و میزان تلفات و خسارات را پایین آورند.

اکنون افزون بر ایجاد و تکثیر کمیته‌های مخفی کارخانه در واحدهای تولیدی و صنایع بزرگ، یکی دیگر از وجوه فعالیت کارگران پیشرو، فعالیت در تشکل‌های توده‌ای نظیر تعاونی‌ها و سازمان‌های ورزشی و امثال آن است.

این نحوه حرکت و فعالیت، می‌تواند به کارگران پیشرو و فعالین کارگری کمک نماید تا خود را از زیر ضربات پلیسی-امنیتی رژیم برهانند و در شرایط مساعدتر و اعتلا بیش‌تر جنبش کارگری، با توان و آمادگی بیش‌تری وارد میدان شوند!

- تجربه جنبش کارگری در طول سه دهه اخیر همچنین تجربه‌ی جنبش کارگری در دو سال گذشته، بارها این واقعیت را به اثبات رسانده است که اختناق و دیکتاتوری لجام گسیخته که از خصایص اصلی رژیم حاکم است، مانع عمده بر سر راه ایجاد تشکل‌های طبقاتی کارگران به ویژه تشکل‌های صنفی پایدار طبقه کارگر بوده است. جمهوری اسلامی رژیمی است فوق ارتجاعی که حیات و موجودیت آن با اعمال دیکتاتوری عریان و سلب آزادی‌های سیاسی ملازم است. برای

رهایی از این وضعیت، طبقه کارگر راه دیگری ندارد جز آن که این رژیم را از ریشه براندازد، قدرت سیاسی را به چنگ آورد و بر ویرانه‌های آن، حکومت شورایی خود را مستقر سازد.